

روزی که پیروزی از آن شکست خوردگان شد ...

۴ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۲۱:۵۱

کربلای ۴ غمبارترین روایت تاریخ جبهه و شهادت است. همیشه شیرینی پیروزی طعم تلخ «نبودن‌ها» را ملایم‌تر می‌کند، اما روز سوم دی‌ماه، سال ۶۵ برای جبهه‌ها روز سختی بود. عملیات لو رفته بود. آیت‌الله طاهری در خاطراتش این را به صراحت بیان می‌کند. سردار سلیمانی از جوی خون شطی گفته که بی‌واهمه به آن می‌زدند. بعضی‌ها معتقدند رادارهای آمریکایی که آن زمان توان تصویربرداری ماهواره‌ای داشتند، به تلافی عدم موفقیت در ماجرای مک‌فارلین، اطلاعات این عملیات را به عراقی‌ها داده بودند.



کربلای ۴ غمبارترین روایت تاریخ جبهه و شهادت است. همیشه شیرینی پیروزی طعم تلخ «نبودن‌ها» را ملایم‌تر می‌کند، اما روز سوم دی‌ماه، سال ۶۵ برای جبهه‌ها روز سختی بود. عملیات لو رفته بود. آیت‌الله طاهری در خاطراتش این را به صراحت بیان

می‌کند. سردار سلیمانی از جوی خون شطی گفته که بی‌واهمه به آن می‌زدند. بعضی‌ها معتقدند رادارهای آمریکایی که آن زمان توان تصویربرداری ماهواره‌ای داشتند، به تلافی عدم موفقیت در ماجرای مک‌فارلین، اطلاعات این عملیات را به عراقی‌ها داده بودند. یکی ۸ بازمانده گردان ۱۲۰ نفری درباره آن شب می‌گوید: «شب عملیات فرماندهان، ما را به دو صف کردند، حدود ۱۲۰ نفر غواص بودیم. قرار شد سه نفر سرشان بیرون از آب باشد تا بچه‌ها در مسیر گم نشوند. زیر نور فیدر (منورهای قوی که یک ربع آسمان را روشن می‌کرد) من همه جا را به خوبی می‌دیدم. یک چهار لول نوک جزیره ماهی گذاشته بودند که تیر رسام (تیرهایی که روشن است و وقتی به طرف شما می‌آید ما به خوبی آن را می‌بینی) به عمق آب شلیک می‌کرد. وحشتناک و غیرقابل پیش‌بینی در تله افتاده بودیم!» سردار قاسم سلیمانی جوی خون کربلای چهار را اینطور توصیف کرده: «در کربلای چهار، جوی‌های خون کوچکی روان بود و من این جوی‌های خون را به چشم خودم دیدم و دیدم چگونه آن‌ها بدون ذره‌ای ابهام، ترس و تردید به اروند زدند، در حالی که دشمن در بالای خاکریزها به آن‌ها نگاه می‌کرد و تک‌تک آن‌ها را با تیربارهای خود نشانه می‌رفت و آن‌ها ذره‌ای ترس به خودشان راه ندادند.» (ایسنا - ۶ دی ۱۳۹۲ قاسم سلیمانی-گرامیداشت شهدای عملیات کربلای ۴) این خاطره آیت‌الله طاهری اصفهانی حرفهای زیادی برای گفتن دارد. «عملیات کربلای چهار بود. [...] به خط مقدم که رسیدیم، دیدم که عراقی‌ها از منورهایی استفاده می‌کنند که شب را مانند روز روشن می‌کند. به خرازی گفتم خودت را به آقای‌هاشمی برسان و بگو که عملیات لو رفته است. خرازی رفت و برگشت و گفت که آقای‌هاشمی گفته که من مقلد امام هستم و باید عملیات انجام شود. من پاسخ دادم که امام هم اگر شرایط را ببینند، اجازه عملیات نخواهند داد. اما به هر حال عملیات انجام شد. بچه‌های ما چند دسته بودند، گروهی که زیر آب می‌رفتند و یک لوله‌هایی برای نفس کشیدن از بالای سرشان روی آب بیرون می‌آمد و عده‌ای هم که با قایق می‌رفتند. عراقی‌ها این لوله‌ها را می‌زدند و وقتی بچه‌های ما مجبور می‌شدند سرشان را بالا بیاورند، آنان را شهید می‌کردند. خلاصه تعداد زیادی از بچه‌های ما را شهید کردند.»

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۶۰۵/خوردگان-شکسته-پیروز-پروزی>